

ذکری که در سیاه چال تلاوت می‌شد

محمد افنان

دوست فاضل جناب ایزدی نیا نکته‌ای را در باره تنوع ذکر مبارکی که در سیاه چال طهران زندانیان سنه حین به تعلیم مظهر مستور امر الهی تکرار می‌کردند تذکر داده‌اند که توضیحی در باره آن جا دارد.

بنابر تحقیق دقیق معزی‌الیه به این واقعه تاریخی لا اقل در سه مورد از آثار مبارکه اشاره شده است:

۱ - "در حبس باین آیه مبارکه ناطق 'هو حسبی و حسب کلّ شیء و کفی باللّه حسیباً'. نفوس موقنه مطمئنه کلّ بان ناطق، و چون صدا مرتفع می‌گشت اهل سجن متحیر و متوهم مشاهده می‌گشتند." حضرت بهاء‌الله، *لثالی/الحکمه*، جلد دوم، ص ۲۸۲

۲ - "احبای الهی در زیر زنجیر و حبس و در زیر آن اذیتهای شدید دو دسته شده بودند و ذکر گرفته بودند. یک دسته میگفت 'هو حسبی و حسب کلّ شیء' و دسته دیگر میگفت 'و کفی باللّه شهیداً'. کلّ در نهایت روحانیت بودند." حضرت عبدالبهاء، *بیانات شفاهی. اسرار/الآثار*، جلد اول، ص ۲۳۴

۳ - "جمیع این نفوس که در فتنه سنه حین بشهادت رسیدند در انبار طهران با من بودند و ما ها دو دسته بودیم که روبروی یکدیگر پا در خلیلی و گردن در زنجیر بودیم. من به آنها ذکری تعلیم نموده بودم که شبها به صوت بلند خوانده میشد. یک دسته میگفت 'هو حسبی و حسب کلّ شیء' و دسته دیگر میگفت 'و کفی باللّه حسیباً'. حضرت ولی امرالله، *توقیع نوروز ۱۱۰*، به نقل نبیل زرنندی از بیان جمال قدم

۴ - "نزدیک طلوع فجر در هر شب ذکری به آنها میگفتیم که به صدای بلند میخواندند. صفّ اول میگفتند 'قلّ اللّه یکفی من کلّ شیء'، و صفّ دیگر جواب میدادند 'و علی اللّه فلیتوکل المتوکلون'. نقل نبیل از بیان مبارک، *مطالع الانوار*، چاپ سال ۱۹۹۱، ص ۵۷۷

البته باید توجه داشت که متن منقول از *مطالع الانوار* از ترجمه کتاب مزبور است و شاید کاملاً دقیق نباشد، ولی با دقت و مقایسه متون میتوان دریافت که بجز دو شاهد اول و سوم که یکسانند، بقیه در بعضی کلمات اختلاف دارند.

از آنجا که مأخذ و مستند همه این اذکار که به ظاهر اختلافاتی دارند، نفس مظهر قیوم و کلاً نقل بیان مبارک اوست، زیرا از آن زندان سراسر وحشت و ابتلا کسی زنده آزاد نشده، به نظر

می‌رسد این تفاوتها همگی حاکی از این نکته است که همه روزها ذکر ثابتی از لسان مبارک جاری نشده و محتملاً اذکار متعدّد تعلیم فرموده‌اند، که اگرچه معنی و مفهوم از یک مطلب حکایت می‌نماید، اما با الفاظ متنوع و متعدّد بوده است.

این توجیه، نظر شخصی این بنده ناتوان است و شاید بالکلّ عاری از واقعیت باشد، اما منافی با اساس مطلب نیست و امید است جسارت و بی‌ادبی نیز نباشد، دیگر تا در ساحت ارباب علم و کمال چه قبول افتد و چه در نظر آید.